

محاكمات فوری

بقلم جناب آقای دکتر متین دفتری وزیر عدلیه

محاكمات فوری که فصلی از لایحه اصول محاكمات حقوقی است از مبتکرات این لایحه بشمار رفته و متضمن فواید زیادی از جهت ساده نمودن طرز رسیدگی در قضایایکه فوراً باید نتیجه برسد میباشد . چون از طرفی این موضوع در ایران بی سابقه است و مجریان قانون بطرز جریان آن در عمل آشنا نیستند و از طرف دیگر قانون هر قدر هم شرح و بسط داشته باشد نمیتواند تمام جزئیات را پیش بینی کند مقتضی بود در اطراف آن توضیحاتی داده شود تا موضوع برای اجراء کنندگان قانون روشن شده و مقصدی که از ایجاد این طرز محاکمه در نظر بوده است تأمین گردد .

چه بسا اتفاق می افتد که در اثر عدم درک مراد مقنن قانون خوب اجراء نشده و بدین ترتیب نتایجی که از وضع آن منظور بوده تأمین نگردیده بلکه نتیجه معکوس هم داده است . برای اینکه اشکالی در عمل پیش نیاید مجوه حقوقی در مقام این بود که تفسیری از مقررات مربوط بمحاكمات فوری بنماید .

خوشبختانه گزارشی را که جناب آقای دکتر متین دفتری (در موقع توقفشان در اروپا برای مطالعات قضائی) راجع به این موضوع تهیه فرموده اند بدست آورده و باتشاور آن مبادرت مینماید تا مواد لایحه جدید مربوط بمحاكمات فوری روشن شده و با حسن اجرای آن نتایجی که از وضع این قانون منظور است تأمین گردد .

پاریس دهم آذر ماه ۳۰۹

مقدمه

قانون اصول محاكمات ایران محاكمات را بر دو قسم تقسیم کرده : عادی و اختصاری . اصول محاكمات اختصاری در موارد مهمینه تشریفاتی را که قانون برای اصول محاكمات عادی قائل شده از قبیل لواط که در مواعید مقررہ بین متداعیین مبادله میشود حذف کرده و باین ترتیب موجبات تسریع بعضی از دعاوی را فراهم میکند از این تسهیلات که بگذریم بموجب ماده ۲۷۷ قانون جدید محاكمات سایر ترتیبات محاکمه اختصاری مثل ترتیبات عادی است یعنی متضمن کندی هائی است که به شاهکارهای آوگانی جولان میرسد و قهراً دعوی حواشی پیدا میکند که مبتلا به مدعی رادر برآوردن اجمال میگذارد .

اگر در سنخ دعاوی درست دقت بشود ملاحظه میکنیم که در زندگانی جاری بشر غالباً تعدیاتی رخ میدهد یا اجحافاتنی در شرف وقوع است که در رفع یا

جلوگیری از آن باید توجه فوری یا آنی بذل شود و نسبت باین ابلاآت هر قدر هم رئیس محکمه تعجیل کند و بموجب ماده ۲۷۳ در تعیین موعد رعایت اختصاری را بنماید باز در جلسه محاکمه مدعی علیه مدعی را دچار تشریفات میکند و تا کار بصدر حکم منتهی شود خسارات جبران ناپذیری متوجه مدعی میگردد و احق حق بعدی برای او نتیجه نخواهد داشت و بسا همت که موضوع حق او از بین میرود بعبارة اخری منازعاتی در زندگانی اجتماعی رخ میدهد که اگر در حین تولید آن منازعه از طرف امناء عدلیه تدبیری در رفع آن ولو آن تدبیر موقتی باشد بعمل نیاید میتوان گفت که رفع ظلم از منظام دیگر ميسر نخواهد بود . بهین ملاحظه است که قانون اصول محاكمات فرانسه برای تأمین سرعت رسیدگی بدعاوی فوریه بایجاد محاكمات اختصاری قناعت نکرده محاكمات اختصاری دیگری دائر نوده است که موسوم میباشد به Referé که ما ممکن است آنرا محاكمات عاجله بنامیم .

مقررات قانونی راجع باین طرز محاکمه در مواد ۸۰۶ تا ۸۱۱ قانون اصول محاکمات فرانسه مندرج است اگر کسی باین مواد مراجعه کند هرگز با اهمیت آن پی نمیبرد و حتی مصنفین که شرح بر قانون اصول محاکمات نوشته اند در این قسمت یا طفره زده یا باختصار کوشیده اند تا کسی اجراء این چند ماده را در عمل طی ننمایند و دامنه وسیعی را که محاکم فرانسه باین قسمت از اصول محاکمات در طی سالیان دراز داده اند سیر نکنند ممکن نیست بفوائد و مزایای آن برخورد.

بند از زمانی که مأمور مطالعه در محاکم شده ام توجه خاصی باین طرز محاکمه معطوف داشته در جریان آن وقت کرده ام و دوسیه های جاری و را که دعاوی معجله در مرحله ابتدائی و استئناف در دیوان عالی تمیز را زیر و رو کرده در جلسات محاکمات عاجله مثل یکی از اعضاء مامله محکمه شرکت نموده نسبت بمعضلات امر باحکام مجرب و زیر دست مبادله نظر نموده اینک نتیجه مطالعات خود را در این قسمت باستحضار خاطر محترم آن وزارت جلیله میرساند که اگر رأی مبارک اقتضاء نماید باجواب نظر ارباب عمل و قضاء مجرب این طرز محاکمه هم در محاکم ایران دایر شود.

محاکمات عاجله را در چند مبحث ممکنست تشریح

کرد بطریق ذیل :

- مبحث اول - طرز تشکیل محکمه .
- مبحث دوم - حدود صلاحیت حاکم محکمه در محاکمات عاجله .
- مبحث سوم - موارد و محاکمات عاجله .
- مبحث چهارم - طرز محاکمات عاجله .
- مبحث پنجم - آثار قانونی قرار محکمه در محاکمات عاجله .
- مبحث ششم - طرق شکایت از قرار صادر در محاکمات عاجله .

مبحث اول

طرز تشکیل محکمه

قانون اصول محاکمات فرانسه که در محکمه ابتدائی

طرز بقه تمدد قضاء را مقرر داشته در محاکمات عاجله بوحدت قاضی قائل است یعنی در هر حوزه ابتدائی رئیس محکمه ابتدائی اینجا را بالا نمراد مأمور محاکمات عاجله نموده است . هر محکمه ابتدائی همه ساله در جلسه اداری خود قرار میگذارد که در طی سال هر هفته يك یا چند روز بطور ثابت (عه) یام جلسه در هفته بسته بشدت یا ضعف مراجعات مردم و عده نفوس حوزه ابتدائی است) در ساعت معین رئیس محکمه ابتدائی برای محاکمات عاجله احساس خواهد نمود . قانون اداء این تکلیف را به عهده شخص رئیس محکمه گذارده ولی در عمل چون برای رئیس مقنن نیست همیشه شخصاً باین وظیفه قیام کند يك یا چند نفر از حکام محکمه ابتدائی را میگذارند که بیابند از طرف رئیس محکمه بمراجعات مردم رسیدگی نمایند اصولاً باید این حاکم علمی البدل در محکمه بین اعضاء اقدمیت داشته باشد ولی عملاً اغلب حکامی را مأمور محاکمات عاجله میکنند که واجد دو صفت باشد : سرعت انتقال و سرعت تصمیم چه در محاکمات عاجله برای حاکم مجال نیست که باظهارات و اسوایح متداعیین رسیدگی طولانی نموده رأی مقتضی را باطمانینه اصدار کند . در این محاکمه غالباً عرضحال فقط حاوی خلاصه اظهارات مدعی است حاکم باید اظهارات طرفین را با سرعت هر چه تمامتر استماع کند و اگر مدارکی باشد حضوراً رؤیت نماید و فی المجلس قرار مقتضی را نسبت بقبول یا رد تقاضای مدعی شفاهاً اعلام نماید و خلاصه رأی را سرریا در حاشیه عرضحال یادداشت کند بر طبق این یادداشت مسوده قرار را مینویسد و اغلب بلافاصله بامضاء او میرسانند این کار از هر قاضی بر نمی آید .

روز هائیکه جلسه محاکمه ابتدائی تشکیل میشود اطاق محکمه بی تماشا نیست ارباب رجوع و منظمی همه در آن واحد و هر يك در نوبه خود جلو حاکم ایستاده اظهارات خود را در ظرف چند دقیقه میکنند و اگر مدعی نلیه هم حاضر باشد جواب او را هم میشوند و بقدر لزوم طرفین توضیحات میدهند و بلافاصله حاکم قرار مقتضی را شفاهاً اعلام میکنند و باظهار منظم ببد میرسد و باین ترتیب

در طی یک جلسه که تقریباً سه ساعت طول میکشد، تقریباً پنججاه الی شصت نفر متظلم را راه میاندازد.

مبحث دوم

حدود صلاحیت حاکم محکمه در محاکمات عاجله

مطابق مواد ۸۰۶ و ۸۰۷ بهدقانون اصول محاکمات فرانسه در کلیه مواردی که ادعاء مدعی فوریت داشته باشد و همچنین در اشکالاتی که از اجراء اسناد رسمی لازم الاجراء و احکام محاکم حاصل میشود حاکم محکمه ابتدائی بطرز محاکمه عاجله رسیدگی کرده تصمیمی اتخاذ می کند که حقوق مدعی فوت نشود و این تصمیم جنبه موقت دارد یعنی هر وقت اصل دعوی بطریق عادی در محکمه صالحه اقامه و رسیدگی شد تصمیم قطعی را آن محکمه اتخاذ و ممکن است حکم محکمه ناسخ قراری باشد که بطریق محاکمات عاجله قبلاً صادر شده است. باینجهت است که ماده ۸۰۹ قانون اصول محاکمات فرانسه مصرح است که قرارهای صادر در محاکمات عاجله دعوی اصلیه را که در محکمه مطرح خواهد شد تَضْمِيع نمیکنند.

حالا به بینیم که از این قاعده میتوان اینطور نتیجه گرفت که حاکم ابتدائی در محاکمات عاجله نمیتواند در ضمن قرار خود تصمیماتی اتخاذ نماید که مستلزم آثار جبران ناپذیر بوده و وضعیت متداعبین را بمرحله برساند که عود بحال اول مقدور نباشد. جواب این سؤال مطابق تحقیقاتیکه شده منفی است یعنی در عمل در بسیاری از موارد حاکم محاکمات عاجله قراری صادر میکنند که آثار آن زائل نمیشود بعبارة آخری حکمی که بعداً در نتیجه طرح اصل دعوی در محکمه صالحه صادره شود آثار آن را نمیتواند محو کند مثلاً موجری بیکی از جهات فوریت که محاکمات عاجله را ایجاد کند حق فسخ اجاره یا انقضاء مدت اجاره را عنوان کرده از حاکم تخلیه عین مستأجره را تقاضا کند و حاکم قرار تخلیه را صادر نموده و ملک را از تصرف مستأجر خارج نماید دیگر وقتی که اصل دعوی موجر و مستأجر در محکمه طرح شود فرضاً حکم محکمه بحقیقت مستأجر صادر شود آثار حاصله از قرار حاکم محاکمات عاجله را که در این مورد

خروج مستأجر از تصرف بوده است نمیتواند محو نماید فقط بطوریکه بعد ملاحظه خواهیم کرده محکمه ممکن است آن آثار را جبران کند نه اینکه محو نماید.

دیوان تمیز مسئله را باین ترتیب حل کرده است که قرار صادر از محاکمات عاجله چون جنبه موقت را دارد فاقد اعتبار قضیه محکوم بها (Chose jugée) می باشد باین معنی که محکمه هنگام طرح دعوی میتواند آن قرار را در صورت اقتضاء کان لم یکن فرض کرده حکمی که مفاداً ناسخ آن باشد صادر کند و برای ضروری که از آثار آن قرار متوجه محکوم له در محکمه (یعنی محکوم علیه در محاکمات عاجله) شده است غرامتی منظور ندارد و بهمین دلیل حاکم محاکمات عاجله در صدر قرار خود همیشه فورمول ذیل را استعمال میکنند « قطع و فصل اصل دعوی موقوف باقامه آن در محکمه است مع هذا بطور موقت مقرر میداریم » بنده با یکی از احکام محکمه ابتدائی پاریس که در محاکمات عاجله تخصص و خبریت تام دارد در این زمینه تبادل نظر کرده مشار الیه اظهار میداشت راست است که محاکمات عاجله عنواناً جنبه موقت دارد و ما وارد در اصل و ماهیت دعوی نمیشویم ولی در عمل صدی نمود از قرارهایی که مادر محاکمات عاجله صادر میکنیم در واقع و نفس الامر در اصل دعوی میشود و دعوی را حتم میکنند رجعانی که این طرز محاکمه دارد این است که ما پای بند مقررات پیچیده اصول محاکمات نشده مبتلا به متظلم را درک میکنیم درمانی را که برای اسكات آنی در داد لازم است تجویز میکنیم و اغلب معالجه مامون واقع شده نطفه دعوی اخفه می کند البته هر وقت حاکم در محاکمات عاجله مصادف بیک تقاضائی شود که انجام آن متضمن این است که متظلم اصولاً از طرح اصل دعوی در محکمه صالحه مستغنی شود و بعبارت آخری هر وقت گفتگوی متداعبین محتاج بقضاوت حقیقی با تمام معنی کلمه باشد نه تدبیری آنی باید عدم صلاحیت خود را اظهار کند و بطور کلی عدم صلاحیت حاکم ابتدائی در محاکمات عاجله در مسائل فصله ذیل مجرزا است تصدیق حق مالکیت و متفرعات آن که مورد انکار باشد تسجیل و یا ابطال عقود یا تغییر دادن

مبحث سوم

موارد محاکمات عاجله

فانون اصول محاکمات حقوقی و قانون مدنی

فرانسه و بعضی قوانین دیگر در پاره مواد خود اموری را تصریحاً در صلاحیت محاکمات عاجله قرار داده اند که موارد مهمه آن را بنده ذیلا یادداشت میکنم :

۱ - مالی نزد امینی از طرف مامورین اجرا توقیف شده و آن امین میخواهد از آن مسال کم ید بنماید .

۲ - مدیون را بموجب قانون برای اداء دین حبس کرده اند تقاضای استخلاص خود را دارد

۳ - مال متعلق بمدیون را نزد شخصی سراغ گرفته اند و آن شخص از توقیف آن مال استنکاف دارد

۴ - مباشرین ثبت از دادن سواد نوشتهجات مردم استنکاف دارند یا اینکه مدیر دفتر محکمه از دادن نسخه ثانی حکم محکمه طفره میزند

۵ - تقاضای مهر و موم کردن اموال واثانیه یا فسخ توقیف یا برداشتن صورت اموال و اثنانیه

۶ - اختلافاتی که متعاقب طلاق راجع بنگاهداری اطفال زوجین یا استرداد اشیاء اختصاصی یکی از آنان و تأدیه کسوه و نفقه حاصل میگردد

۷ - در دعاوی مربوط بما ترك میت هر گاه یکی از ورثه تقاضای فروش اشیائی را که در مرض تصبیح باشد بنماید .

۸ - اختلافات حاصله بین ورثه در موقع فروش اموال منقوله تر که متوفی برای تأدیه دیون مورث

۹ - تقاضای رفع توقیف از اسناد تجارتي در وجه حامل از طرف دارنده آن اسناد .

۱۰ - اختلافات حاصله در موضوع کفن و دفن میت .

۱۱ - تقاضای مساعده از طرف اجیری که در ضمن کار مجروح شده از بابت غرامتی که صاحب کار بار باید بدهد .

در مفاد و مقررات آنها تصدیق آنها و راثت بانفی و راثت در مورد شخص که وراثت او مورد انکار باشد حکم بنأدیه غرامت و تغییر تاویل مفاد تعهدات و احکام محاکم و نظایر این مسائل .

قبل از ختم این مبحث باید نکته دیگری را تذکر بدهیم : آیا در مواردی که اصل دعوی در محکمه اقامه شده یعنی محکمه صالحه دعوی را رؤیت کرده است مدعی میتواند نسبت بحرائج فوریه خود بحاکم محاکمات عاجله رجوع نماید و محاکمه عاجله در چنین مواردی جایز است یا خیر؟ قاعده این است که حاکم محاکمات عاجله نسبت بتقاضاهائی که بایک دعوی مطروحه در محکمه تمامی داشته باشد صلاحیت ندارد ولی حکام فرانسه باین قاعده تخصیص وارد کرده اند و آن این است که هر گاه انجام تقاضای مدعی خلفی به دعوی مطروح در محکمه وارد نیآورد صدور قرار بطریق محاکمات عاجله اشکال ندارد . برای روشن کردن موضوع يك مثل میآوریم : مستأجری بموجب مواد اجاره نامه از موجر تقاضا دارد که در عین مستأجره تعمیراتی بشود و چون موجر استنکاف دارد بمحکمه عرضحال میدهد محکمه هم باهمل خبره ارجاع مینماید و اهل خبره فوریت تعمیرات مورد تقاضا را تصدیق مینماید مستأجر بملاحظه فوریت تعمیرات بحاکم محاکمات عاجله تظلم و تقاضا مینماید که موجر را مجبور باین تعمیرات بکند . در چنین مورد البته حاکم من بوز صلاحیت ندارد و وارد در تقاضای مستأجر بشود زیرا تشخیص اینکه مخارج بههده موجر میباشد مربوط باصول دعوائی است که در محکمه طرح شده و تکلیف را خود آن محکمه باید معین کند ولی در همین مورد اگر مستأجر تقاضا نماید حاکم محاکمات عاجله میتواند حکم بدهد که تعمیرات و ساختمان را بایک مساعده که مستأجر میدهد بگذرد که رفع گرفتاری و مضایقه از او بشود تا به محکمه که اصل دعوی را قبلا رؤیت کرده است معین نماید که مخارج ساختمان بههده کی است .

اختلافات حاصله از اجراء حکم محکمه یا سند لازم الاجراء اصولاً مطابق قانون اصول محاکمات فرانسه مربوط به محکمه است اگر حکم باشد به محکمه رجوع می‌شود که حکم صادر کرده و اگر سند رسمی لازم الاجرا باشد به محکمه محل اقامت مدعی علیه ارجاع می‌گردد. لیکن اگر اختلاف حاصله فوریت داشته باشد بحاکم ابتدائی رجوع می‌کند که بطریقه محاکمات عاجله رسیدگی کرده قرار میدهد باید تذکر داد که علاوه اختلافات حاصله از این اجراء احکام و اسناد رسمی را بدون رعایت شرط فوریت احاله به محاکمات عاجله می‌کنند و در آن عالی‌ترین هم این رویه را تصدیق کرده است.

نظر این است که اجراء مفاد حکم یا سند رسمی اصولاً فوریت دارد و موانع آنرا باید زودتر رفع کرد در قسمت رفع این موانع نیز برای حاکم محاکمات عاجله اختیارات نا محدودی قائل هستند که هر چه صلاح میدانند حکم بدهد و حتی اگر معاذیر کسی را که مانع اجراء حکم یا سند رسمی است موجه دید بقدر کفایت بلا مهلت بدهد.

اینک لازم میدانم قبل از ختم این مبحث بعضی از موارد عمل محاکمات عاجله را ذیلاً شرح دهم:

الف - حبس مدیون مستنکف

هر گاه مدیون مستنکف را بحکم قانون حبس کنند مشارالیه میتواند تقاضای مراجعه بحاکم محاکمات عاجله بکند در این صورت مأمورین مکلف هستند بلا درنگ او را نزد حاکم مزبور ببرند و قانون در این مورد برای حاکم همه گونه اختیارات قائل است از قبیل اینکه رسیدگی کند که آیا واقعاً مدلول حکم اجرا رفته یا خیر یعنی بیکی از طرق قانون مانند اجراء تبدیل تمهید تهاجر و غیره ساقط شده یا هنوز باقی است و نیز میتواند در صورت عذر موجه مدیون مهلت کافی برای اداء دین بدهد یا اینکه موجبات اصلاح یا گرفتن ضامن را فراهم کند و غیره.

از این موارد مصرحه در قوانین که بگذریم ضابطه برای موقعیت داشتن محاکمات عاجله این است که در هر امری از امور تقاضائی بشود که فوریت داشته باشد یا اینکه در نتیجه اجراء حکم محکمه یا یک سند لازم الاجراء اشکالاتی تولید شده باشد در این موارد حاکم يك تکلیف موقتی نسبت به مبتلا بمظالم مینماید معین مینماید نسبت بشق اول یعنی در مقام فوریت امور قانون حاکمی را گماشته است که همیشه یعنی حتی در ایام تعطیل و ساعات غیر اداری مراقب باشد که اگر منافع شخصی در خطر باشد باید تدبیری که عنواناً موقت است از تضييع حق آن شخص جلوگیری کند - نسبت بشق دوم یعنی اشکالات حاصله از اجراء احکام و اسناد نظر قانونگذار این است و قتیکه کسی سند لازم الاجرائی اعم از حکم یا اسناد رسمی در دست دارد از اشکالات تراشی حریف خود مصون و مأمن باشد و هر گاه اشکالی پیش آمد با سرعت وقت اشکال او را رفع کند و مجبور نشود به محکمه رجوع کرده تمام تشریفات قانون اصول محاکمات را تحمل نماید و موقع استفاده از فوت نشود. هر يك از این دو شق را ذیلاً تلیخه تصریح می‌کنم:

اولاً - موارد فوریت - تشخیص فوریت و عدم فوریت را قانونگذار بنظر حاکم محول کرده در این قسمت او کاملاً مختار است میتواند هر کاری را که بنظرش فوتی میرسد فوراً حل کند و آنچه را که بیمورد و ناشی از سوء استفاده مظلومین از محاکمات عاجله تشخیص میدهد احاله به محاکمات عادی نماید. تاب داشتن یعنی کشد از بودن قانون در این قسمت خیلی بموقع است حسن محاکمات عاجله این است که حاکم از تضييعات قانونی فراغت داشته بدون هراس و اندیشه از نقص قانون می‌تواند در هر مورد و نسبت به هر ابتلائی تدبیر موثری بنماید و بسا هست که در سایه این آزادی وی پروائی موفق میشود با اصول کدخدای منشی دعوی را فیصله داده متداعیین را با اصلاح سوق دهد نهایت اینکه حاکم مکلف است هر وقت احراز فوریت کرد و خود را صالح دید فوریت امر را در قرار خود تصریح نماید. ثانیاً - اشکالات حاصله از اجراء اسناد لازم الاجراء:

را ناتمام گذاشته و از این منقصت خسارتی باو وارد آورده است خیره علاوه بر تعیین اینکه چه مقدار از کار ناتمام مانده تحقیق مینماید که از تصور معمار چه میزان خسارت متوجه مدعی شده است قسمتی را که ساخته چه مبلغ تمام شده و برای تکمیل بنا چه مبلغی لازم است و غیره یا اینکه در دعوی مربوط باجاره اگر مستأجر مدعی است که از استفاده قسمتی از عین مستأجره ممنوع مانده است خیره معین مینماید که از این ممنوعیت چه آزاری مترتب گردیده است و حتی اگر فرضاً مستأجر ادعا کند که تمام یا قسمتی از عین مستأجره در شرف انهدام است باید تمهیدی برای جلوگیری از خرابی بشود و مدعی اقدام بان تمهیدات بکند تا بعد در محکمه معلوم شود که مخارج آن بهمه کس است رأی اهل خیره بعد از انجام ماموریتش مدرکی است که مثل سایر مدارک موقوف بنظر قضائی محکمه میشود البته محکمه مختار است مفاد راپرت اهل خیره را مدرک حکم قرار دهد یا اینکه رای خیره را غیر موجه دانسته ترتیب اثری بان ندهد.

ج - اختلافات راجع بترتیب کفن و دفن میت

کفن و دفن میت چون همیشه فوریت دارد باید جریان محاکمات عاجله را طی کند لیکن چون در این مورد قرار حاکم را بنده نمیتوان قسح کرد البته قانون در این قسمت برای حاکم محاکمات عاجله اختیارات و صیغی قائل شده یعنی حاکم وارد در ماهیت دعوی شده منجزاً حکم صادر میکند

و - دعوای حاصله از اجاره

موضوع اجاره یا اشیاء و حیوانات است یا اشخاص موضوع امر هرچه باشد دعوی یا در مدت اجاره تولید میشود و یا در انقضاء مدت ، ما هر يك از این شقوق مختلفه را ذیلا مورد بحث قرار میدهم :

۱ - اجاره اشیاء یا حیوانات

قسمت اول

دعوای حاصله در مدت اجاره

موجری از تصرف دادن عین مستأجره امتناع دارد

ب - رجوع باهل خیره

رجوع باهل خیره یکی از موارد شایع محاکمات عاجله است خاصه در دعوای مربوط بخسارات حاصله از بنائى و حفر چاه و غیره در اختلافات بین املاك مجاور و در دعوی بین موجر و مستأجر و بین معمار و صاحب بنائى و نظایر آن . متظلم در موقعی که دعوائی برای او حادث میشود بجا کم محاکمات عاجله رجوع کرده تقاضا مینماید که يك نفر اهل خیره برای رسیدگی بمبتلا به او معین نماید البته تشخیص فوریت تقاضای او بسته بنظر حاکم است نکته که باید تصریح شود این است که از این طریق عملاً دو مقصود یا یکی از آن دو حاصل میشود اول تامین دلیل در زمینه اثبات موقوف و مشاهدات و تحقیقاتی که اهل خیره در اطراف موقوف خواهد کرد اهل خیره نتیجه این تحقیقات را بضمیمه نظر فنی خود بجا کم محاکمات عاجله راپرت میکنند این راپرت بعدها کار متظلم را موقوف اقامه اصل دعوی در محکمه خیلی تسهیل مینماید . مقصود درم که از مأمور شدن یکنفر اهل خیره برای رسیدگی به اوضاع و احوال دعوی حاصل میشود این است که بان اهل خیره اغلب از طرف حاکم مأموریت داده میشود که حتی المقدور موجبات اصلاح ذات البین را فراهم کند و غالباً مناجله از مؤثر واقع شده دعوی در خارج حل و فصل میگردد . باید دانست که تقاضای تعیین اهل خیره برای تامین دلیل فقط وقتی مـورد دارد که اختلافی حاصل و دعوائی تولید شده باشد نه اینکه برای يك دعوی احتمالی بخواهند دلائل تامین نمایند حالا باید فهمید که حاکم وقتی که تقاضا راجع بت تعیین اهل خیره چه ماموریتی میتواند بدهد مأموریت اهل خیره منحصر باین نیست که در اطراف قضا یا وضعیاتی که در شرف زوال هستند تحقیقات کرده و بمباراة اخری دلائلی را که استفاده از آن بعد متمذراست تامین نماید بلکه ممکن است هر گاه دعوی مربوط بخسارت وارده از يك حادثه مانند مجروح شدن از تصادم اتومبیل باشد اهل خیره موجبات وقوع آن حادثه و درجه مسئولیت مباشر آنرا تحقیق و معین کند یا اینکه اگر دعوی بین معمار و صاحب بنائى باشد که مدعی است معمار بر خلاف قرار نامه قسمتی از بناء

معرض تلف و آبرویش در معرض تضییع است بحاکم
محاکمات عاجله رجوع میکند و حاکم قرار میدهد که
خانه را تخلیه نماید تا بعد گفت گوی آنها در محکمه
طرح شوند. اگر مستاجر عین مستاجره را بمصرفی غیر
از آنچه در اجاره نامه مقررات برساند در صورتیکه
ادامه این اقدام مستاجر مورت خسارت جبران ناپذیر
باشد حاکم میتواند باهل خبره رجوع نموده در صورت
ثبوت تعسفی از طرف مستاجر قرار تخلیه بد مستاجر را
صادر نماید. در اجاره نامه قید است که اگر مستاجر يك
قسط مال الاجاره را بتأخیرانه اخذ موجر حق فسخ داشته
باشد در چنین مورد هر گاه مستاجر مال الاجاره را عقب
ببندازد حاکم بحاکمات عاجله میتواند عین مستاجره را
از تصرف مستاجر خارج کرده بتصرف مالك بدهد.

قسمت دوم

دعای حاصله در انقضاء مدت اجاره

در انقضاء مدت اجاره یادر حلول موردی که موجر حق
فسخ اجاره را داشته و فسخ کرده است مستاجر استنکاف
دارد حاکم بحاکمات عاجله میتواند حکم تخلیه بدهد
و در صورتیکه مستاجر عذر وجهی از قبیل مبتلابودن
بمرض مانع حرکت و غیره داشته باشد ممکن است
حاکم فرجه مناسبی باو بدهد.

۲ - اجاره اشخاص

وقتی که مدت اجاره اجیر منقضی شد باید محلی
را که در آن برای موجر یا مخدوم خسود کار میکرده
تخلیه کند اگر استنکاف داشته باشد حاکم بحاکمات
عاجله میتواند او را اخراج کند. مثلاً باغبانی در باغ منزل
داشته مالك باغ عذر او را میخواهد ولی باغبان منزلی را
که در باغ داشته تخلیه نمیکند حاکم او را اجبار بتخلیه
میدماید. شخصی ساختن خانه خود را بعماری واگذار میکند
که در مدت معین و بامصالح معینه آن را ساخته و تحویل

حاکم بحاکمات عاجله بملاحظه اینکه کار فوریت دارد
از قبیل اینکه فرضاً مستاجر بلا مکان است قرار صادر
میکند که ملك را بتصرف او بدهند

اگر عین مستاجره معیوب بوده یا خرابیهائی داشته
که موجر برای رفع عیب یا خرابی میبایستی قبل از
تصرف دادن اقدام بتمیر آن بکند و در انجام این تکلیف
اهمال دارد و یا اینکه در مدت اجاره ملك مورد اجاره
خرابی پیدا کرده و مالك زیر بار تمیرات نمیرود حاکم
محاکمات عاجله میتواند بر حسب تقاضای مستاجر رجوع
باهل خبره نماید که اگر بعد از معاینه محل تمیرات را
لازم دید بخرج مستاجر اقدام بتمیر میکند تا بعد در
محکمه معین شود که مخارج آن تمیر بعهده
کسی است. همینطور ممکن است که موجر ملك خود
را در شرف خرابی به بیند و بخواهد عمله آنجا برود
تمیرات لازمه را بنماید و اگر این تمیرات نشود
خسارت متناهی متوجه او خواهد شد و مستاجر ممانعت
میکند و در این مورد هم حاکم بحاکمات عاجله میتواند
بوسیله تعیین اهل خبره رفع گرفتاری را بنماید. موجری
شکایت دارد که مستاجر در ملك او مشغول اقداماتی است
که تمیرات اساسی در وضع ملك میدهد و اعاره ملك
بجالت اولیه در موقع انقضاء اجاره مقدور نخواهد بود
یا اینکه اقدامات مستاجر مالا مالك را خراب خواهد کرد
حاکم بحاکمات عاجله نسبت باین شکایت بوسیله اهل خبره
رأس رسیدگی کرده قرار مقتضی میدهد. خانه در شرف
خرابی است و سکونت در آن خطر دارد یا اینکه مستاجر
کشف میکند که قسمتی از خانه در اجاره فاحشه است
و برای او رسوائی دارد مستاجر اگر اینموارد بخواهد
بطرف بمولی با موجر بحاکمه کبده تا موفق بفسخ اجاره
شود مدتی طول خواهد کشید و در این مدت جانش در

به هدیه اگر بین آنها اختلاف حاصل شود که، مصالح بنا مطابق قرار داد نیست یا اینکه در بنا اوقاصی هست حاکم میتواند باهل خبره رجوع کند که محل را معاينه کرده عقیده خود را در ماباه اختلاف راپرت نماید و چنانچه رفع نواقص بنا فوریت داشته باشد بنا را تکمیل کند تا بعد در محکمه معین شود که مخارج آن بعهده کی است همینطور اگر در مدت مقرر بنا تمام نشده باشد اهل خبره تحقیقات کرده نظر خود را راجع بجهات تاخیر اظهار میدارد و در صورتیکه بنظر او معمار در تمام کردن بنا تمایل میگذراوند در صورت اقتضاء فوریت بنا را با تمام برساند تا تکلیف مخارج آن بعد در محکمه معین شود و نیز چنانچه در رأس مواعد، قرضه بین طرفین صاحب بنا قسط مخارج بنائی را نرساند یا اینکه مقاطعهچی قبل از اتمام کار فوت کند یا اینکه صاحب بنا مقاطعه را به علت نقض باره از مواد قرار داد بخواهد فسخ نماید و غیره و غیره باز حاکم میتواند تدابیر عاجله برای رفع دعوی بعمل آورد.

۵ - دعاوی بین زوج و زوجه

هر گاه زنی بشوهر خود تمکین نکرده و از خانه شه فرار کند باید تدبیر عاجلی بشود زیرا بسا هست که عدم تمکین زن اسباب رسوائی و بدنامی شوهر میشود و همینطور هر گاه شوهری زن خود را از خانه بیرون کند یا بالعکس زن شوهر را بخانه راه ندهد در تمام اینموارد حاکم محاکمات عاجله میتواند قرار مقتضی صادر نماید - هر گاه مادری بدون رضای پدر طفل مشرک را از خانه پدر بمحل دیگر ببرد از موارد محاکمات عاجله است و نیز در صورتیکه شوهری زن خود را بدون کسوه و نفقه بگذارد و غیره . در موقع طلاق هر گاه شوهر اشیاء اختصاصی زن را توقیف کند یا بالعکس زن اشیاء اختصاصی شوهر را نزد خود نگاه دارد در نتیجه طرف در مشیقه باشد یا اینکه شوهر بعد از طلاق بخواهد مادر را از دیدن اولاد خود بکلی محروم کند حاکم میتواند ضمنی المقدور قرار آسایش شکای را بدهد همینطور هر گاه

شوهری زن خود را طلاق داده تکلیفی برای معاش او در زمان عده معین نکند یا اینکه طفل خود را نزد زن مطلقه گذاشته خرجی او را نپردازد حاکم میتواند بر-م علی- الحساب، مبلغی از شوهر گرفته بزین مطلقه برساند تا دعوی آنها در محکمه قطع و فدل شود . هر گاه اموال زن و شوهر مخلوط بوده و تفکیک آن موقع طلاق بزودی میسر نشود بهم تقریظ برود حاکم بر حسب تقاضای زن یا شوهر میتواند مقرر بدارد که اموال تحت توقیف در آید تا بعد دعوی آنها در محکمه فاصله یابد .

و - توقیف اموال مدیون برای اجراء احکام

محاکم یا اسناد لازم الاجراء

۱ - توقیف اموال مدیون که نزد اشخاص ثالث است

قانون اصول محاکمات جدید ایران منزهات و اختلافاتی که از اجراء احکام حاصل میشود جزء موارد محاکمه اختصاری قرار داده توقیف اموال مدیون هم یکی از طرق اجراء احکام است ولی باید دانست که در توقیف اموال مدیون نزد اشخاص ثالث اختلافاتی حاصل میشود که جریان محاکمات هم بطوریکه لازم است سرعت حل آنرا تا معین نکرده موجب اتلاف وقت و تضییع حقوق میشود و بسا هست که حاکم باید از طریق محاکمات عاجله در رفع شکایت مدیون یا شخص ثالثی که مال نزد او توقیف میشود تدبیر فوری نماید مثلاً مال شخصی را نزد ثالثی در مقابل دینی که هنوز حال نیست میخواهند توقیف نمایند یا اینکه رعایت مقررات قانونی را در موقع توقیف اموال مدیون نزد شخص ثالث نمینمایند مستثنیات دین را خارج نمیکند و معاش او را از اینجهت در مضیقه گذاشته خانواده او بخطر میافند . حاکم محاکمات عاجله میتواند در این موارد بشکایات رسیدگی کرده توقیف اموال را کلاً یا بعضاً ابقاء یا رفع نماید .

شکایت دیگری که از توقیف اموال ممکن است پیش بیاید بقرار ذیل است :

۲ - بعد از توقیف صاحب مال اعتراض می کند که فروش اموال توقیف شده با تشریفات قانونی شروع نشده است. مثلاً انتخاب محل فروش و اوضاع و احوال آن مخالف قانون است یا اینکه میگوید معادل طلب دائن از اموال توقیف شده بفروش رسیده و اقدام بفروش مابقی دیگر جائز نیست.

اعتراضات اشخاص ثالث

اشخاص ثالث اعتراض میکنند تمام یا قسمتی از اموال توقیف شده با-م مدیون متعلق بانها است که بصفحه اجاره یا امانت و غیره در تصرف مدیون است یا اینکه زن میگوید اموالی که با-م شوهرش توقیف شده مال او است و بالعکس و نیز ممکن است ادعا کند که نسبت باموال توقیف شده حق عمری یا حق اجاره دارند یا مال بیکی از عقود قانونی متعلق حق آنها است در این موارد اگرچه حاکم محاکمات عاجله حق ندارد در ماهیت دعوی مخصوراً نسبت بحق مالکیت رأی قطعی بدهد. مهذا اشکال ندارد تعقیب کند. این رویه است که دیوان تمیز فرانسه تصدیق کرده و بنده از یکی از احکام دیوان مزبور استخراج نموده ام شخص ثالث اگر در چنین توقیف اعتراضی نکرده و موقع فروش اموال رسیده باشد مطابق قانون اصول محاکمات فرانسه فقط در صورتی میتواند بجا کم محاکمات عاجله رجوع کند که ثابت نماید از عملیات توقیف بی اطلاع بوده است. مهذا شخص ثالث میتواند از حاکم تقاضا نماید که از فروش اموال جلوگیری نماید تا در ظرف مدت معین تکلیف آن در محکمه معلوم شود.

اعتراضات راجع به محل توقیف و امین که اموال را

باو میسپارند

ممکن است اعتراض بشود که اشیاء بکسی سپرده شده است که دارائی ندارد یا اینکه با دامن قرابت دارد یا اینکه اموال توقیف شده را برای رفع حوائج شخص خود استعمال مینماید و غیره و غیره.

مدیون مدعی است ذمه او که بموجب حکم یا سند لازم الاجراء مقرر گردیده بیکی از طرق قانونی از قبیل تهاتر ابراء یا تبدیلی تعهد بری شده است یا اینکه میگوید اموالی که از او نزد شخص ثالث توقیف کرده اند بیش از میزان دین ارزش دارد (البته حاکم در این موارد نمیتواند مدعای طرفین را جرماً تصدیق یا تکذیب نماید نهایت دلالتی را که اقامه میشود بعنوان اوضاع و احوال تلقی کرده قرار مقتضی در رفع یا ابقاء کل یا بعضی توقیف صادر می نماید) مدیون مدعی میشود حکمی که بموجب آن مال را توقیف کرده اند از اعتبار قانونی ساقط شده است مثلاً حکم غیابی بوده و بان اعتراض شده است و اگر مدرک توقیف سند لازم الاجراء بوده میگوید آن سند مطابق مقررات قانون ثبت اسناد تنظیم نشده است و غیره و غیره.

۲ - توقیف و فروش اموال منقول که در تصرف خود

مدیون بوده است

اعتراضات و شکایات در این قسمت ممکن است از طرف صاحب اموال یا از طرف اشخاص ثالث در حین توقیف یا بعد از توقیف بشود هر یک از این حقوق را ذیلاً شرح میدهیم:

اعتراضات صاحب اموال توقیف شده:

۱ - در حین توقیف - صاحب مال اعتراض میکند که مدرک توقیف اگر حکم محکمه است هنوز قطعی نشده یا اینکه ابلاغ نگردیده و چنانچه سند لازم الاجراء باشد میگوید سند رسمی نیست یا اینکه تشریفات قانونی در تنظیم آن رعایت نگردیده - و نیز ممکن است اعتراض کند که ذمه او بیکی از طرق قانونی از قبیل ابراء تهاتر تبدیل تعهد بری شده است یا اینکه میگوید دین هنوز حال نیست و موعد آن منقضی نگردیده است - و نیز میگوید اشیاء توقیف شده از مستثنیات دین است. حاکم در این موارد بدون اینکه رأی قطعی بدهد در صورتیکه اظهارات و مدرک معترض را قابل توجه دید عملیات اجرائیه را توقیف میکند و هر گاه مبنی بر ظفره دانست حکم به اقامه آن میدهد.

۳ - توقیف اموال غیر منقوله مدیون

مرحله اول

ابلاغ اطلاع نامه بمدیون

در موقع اطلاعنامه از طرف مأمور اجرا ممکنست مدیون بحاکم محاکمات عاجله رجوع کرده اعتراضاتی نماید که اگر مورد توجه واقع شود آثار ابلاغ اطلاعنامه مرفوع گردد مثلاً میگوید مدرك توقیف حکمی است که هنوز قطعی نشده یا ابلاغ نگردیده است یا اینکه محکمه قرار اجراء موقت صادر نموده است یا اینکه طلب دائن هنوز حال نیست یا یکی از طرق قانونی از قبیل تهاتر و غیره ساقط گردیده و چنانچه مدرك توقیف سند لازم الاجراء است اعتراض میکند سند از درجه اعتبار ساقط گردیده یا اینکه مدلول آن عقد بیکی از جهات قانون فسخ شده است اگر حاکم اعتراضات را قابل توجه دید امر با ابلاغ اطلاعنامه را رفع میکند و الا فلا - و نیز ممکن است بنا باظهار مدیون در صورتیکه منافع مدک در مدت مقرر قانون کافی برای استهلاك دین باشد و تأمینات صحیحه بدهد حاکم عملیات را توقیف کند .

مرحله دوم

توقیف مال منقول

در این قسمت هم ممکن است صاحب مال اعتراضاتی بکند در خصوص ورودن مال توقیف شده بامین و ترتیب فروش آن و غیره و غیره .

۲ - مهر و موم اشیاء و اموال

قوانین فرانسه موارد بسیاری برای مهر و موم اشیاء و اموال پیش بینی میکنند . مهر و موم در موقع حکم پورشکستگی تاجر - مهر و موم اموال توقیف شده برای اجراء حکم محکمه مهر و موم مانرك میت یا اموال غایب مفقود الاثر اموال محجورین و در موقع انحلال شرکتهای غیره و غیره .

در موقع اجراء این امراضاتی از طرف اشخاص ذی نفع ممکن است بشود مثلاً اشخاص ادعای مالکیت مالی

را که باسم مدیون توقیف شده است و میخواهند مهر و موم بکنند مینمایند یا اینکه مدیون قسمتی از اموال را جزء مستثنیات دین دانسته مانع مهر و موم آن میشود همینطور بعد از مهر و موم ممکن است اشخاص ذی هلاقه برای رفع حوائج فوریه خود تقاضای برداشتن مهر و موم را بکنند همینطور ممکن است مهر و موم اشیائی بنفع اشخاص باشد و مأمورین صالحه از اقدام به مهر و موم آن امتناع نمایند - در تمام این موارد و نظایر آن حاکم محاکمات عاجله میتواند مداخله بکند و لسی باید در نظر داشته باشد که مهر و موم یکنوع تأمینتی است که غالباً حق را تلف میکند برعکس رفع آن ممکن است ضرر حیران ناپذیری تولید نماید .

ح - حفظ وجوه اموال توقیف شده

مواردی که تعیین امین برای حفظ مالی لازم میشود بسیار است . اموالی که برای تأمین مدعی به یا برای اجراء ملکیتی که در حال توقیف است برای اینکه زیاد نزد مستأجر جمع نشود بامینی میبایزند هکذا مال منقول را فروخته اند و مشتری عنوان خیار نمیکند و میخواهند فسخ نمایند و غیره قطع نظر از این موارد بسیار اتفاق می افتد که مالی در معرض تعوی و تفریط است برای اینکه تا ختم گفتگو در محکمه محفوظ بماند مال را بامینی میبایزند .

همینطور امینی مال و ریمه را میخواهد بدو ورود کند و مودع ظفره میزند امین برای رفع زحمت از خود میتواند از حاکم تقاضا کند که مال را بامینی بپردازد تا رفع گفتگوی او بامودع بشود همینطور ممکنست باغ یا خانه در رهن کسی باشد یا بمعهول خود مان بیع شرط کسی باشد و رهن با بیع شروع بخراب کردن آن خانه یا قطع اشجار باغ نماید مرتبه بامشتری نمیتواند قبل از اینکه اقامه دعوی کند از حاکم تقاضا نماید که مبیع مورد خطر را بشخص امین بپردازد تا رفع گفتگو در محکمه بشود و واری معروف به تهنیر مال است و بعد از فوت مورث شروع بخراجی میکنند و طلب کاران مورث میل دارند قبل از اینکه دعوی آنها در محکمه طرح شود ترتیب اثری بان داده شود تر که

وجه آن به حائل استنکاف نماید خیلی ممکن است که این اقدام تقابلی بوده و قصد آن شخص ابداء دارنده حواله باشد در این صورت دارنده حواله اگر بخواهد به محکمه رجوع کند و رفع مانع نماید دچار زحمت و مخارج زیاد می شود در این باره دعاوی قانونی در فرانسه گذاشته و آنهار نیز در صلاحیت حاکم محاکمات عاجله قرار داده است حاکم اگر اظهارات دارنده حواله را قابل توجه دید توقیف را رفع میکند والا فلا .

ل - دهاوی بین همسایگان

اغلب بین دو ملک همسایه اختلافی حاصل می شود که اگر فوریت رفع نشود تولید زحمت میکند و رفته رفته منتهی باختلافات بزرگتری گردیده عواقب وخیمی خواهد داشت این است که این اختلاف را هم (باستثناء پاره موارد آن که در صلاحیت امین صالح است) ارباب جمع حاکم محاکم عاجله کرده اند اینک ما بعضی از موارد آن را ذیلا - شرح میدهم : مالکی در ملک خود مشغول بنائی شده حفر چاه میکند و اقدامات دیگر شروع کرده که اگر تمام بشود به ملک همسایه خسارت وارده می آورد حاکم محاکمات عاجله بر حسب تقاضای همسایه میتواند تدابیری برای جلوگیری از ضرر اتخاذ نماید ولی البته تصمیمات قطعی نمیتواند بگیرد مثلا نمیتواند بگوید چاه حفر شده را پر کند ولی میتواند امر بدهد که حفر آن دیگر تعقیب نشود - در دیوار مشترک بین دو همسایه هیچیک از شرکاء نمی تواند بدون رضایت دیگر تصرفاتی بکند پس اگر یکی از دو همسایه بدون رضایت دیگر تصرفاتی بکند حاکم میتواند جلو گیری نماید ولی البته هرگاه همسایه که تصرفات کرده اشتراک دیوار را انکار کند و دیوار را ملک اختصاصی خود بداند و هلائش در این زمینه قابل توجه باشد حاکم محاکمات عاجله باید عدم صلاحیت خود را اظهار نماید - دیوار مشترکی در شرف خرابی است و شرکاء اقدام در تعمیر نمیکنند و خراب شدن دیوار موجب خسارت و تلف شدن نفوذ خواهد شد حاکم محاکمات عاجله در چنین موردی بر حسب تقاضای اشخاص ذی علاقه میتواند امر دهد دیوار مزبور را خراب نمایند هرگاه

میت را بامین بسپارند بجا کم محاکمات عاجله رجوع می نمایند در این موارد و نظایر آن که فوریت داشته باشد حاکم محاکمات عاجله میتواند رسیدگی کرده قرار صادر نماید که مال مورد گفتگو بامینی سپرده شود امین هم ملک است مال را بدون تعدی و تفریط محافظت کند و اقدامات لازمه را برای جمع آوری منافع آن بعمل آورد اگر او هم تعدی و تفریط کند شخص ذی علاقه ممکن است از حاکم محاکمات عاجله تقاضا کند که دیگری را بجای او معین نماید - خود امین هم در صورتیکه نگاهداری مال اصاب زحمت او بشود و مانع داشته باشد میتواند از حاکم تقاضا کند که دیگری را بجای او معین نماید و اگر مالی که نزد او امانت است در معرض تضییع باشد ممکن است بجا کم رجوع کرده اجازه فروش آن مال را بگیرد و جوه حاصله از فروش آن نزد او بماند و غیره و غیره .

ظ - ترکه میت

در فرانسه خیلی معمول است هرگاه مورثی طبیکار یا موصی له داشته و ورثه او کفایت و لیاقت ندارند که مال میت را جمع آوری کرده قروض او و موصی به را ادا کنند و میت هم موصی معین نیکرده است طبیکار یا موصی له میتواند از محکمه تقاضا کند یک نفر را معین نماید که دارائی میت را جمع آوری کرده قروض او را بدهد و اگر اینکار فوریت داشته باشد و اموال در معرض تفریط باشد امین تقاضا را از حاکم محاکمات عاجله میتواند بکند .

ی - وصیت

هرگاه ورثه منکر وصیت بوده و ترکه در تصرف موصی له و در معرض تفریط باشد ممکن است از حاکم محاکمات عاجله تقاضا نمایند که ترکه تا ختم گفتگوی آنها بدست امین سپرده شود .

ک - مفقود شدن حوالجات و اسهام و سایر اوراق
در وجه حامل

شخصی حواله در وجه حامل در دست داشته آنرا مفقود کرده است و بمحال علیه اطلاع میدهد که از تأدیبه

یکی از دوشربك ديوار مشترك ديوار را بلندتر كند و تسمتى كه بالاى ديوار ساخته شده موجب عدم استحكام و ترازى ديوار است حاكم ميتواند بتصديق اهل خبره آن قسمت را خراب نمايد همسايه از حقوق ارتفاعيه ملك مجاور خود جاوگيرى كرده و مالك آنرا دچار مضيقه نموده است حاكم ميتواند بطور موقت امر دهد كه حقوق ارتفاعيه باقى باشد يعنى اعاده شود تا طرفين گفتگوى خود را در محكمه ختم نمايند - بين املاك واقعه در كمار نهري نزاعى توليد ميشود راجع باستفاده از آب نهر يكي از مالكيين سدى بسته است كه ساير املاك را تهديد بخرابي ميكند اين گفتگو اگر بچريان معمول در محكمه نيفتد ممكن است بلوايى بشود روزار عين از هستى ساقط گردند حاكم محاکمات عاجله بنا بر تقاضای مظلومين ميتواند نظر اهل خبره را جلب نموده و از اين تسمى جلوگيرى نمايد

مالك حق دارد در ملك خود هر گونه تصرفات كند بشرط آنكه موجب اضرار همسايه نباشد تشخيص اينكه تصرفات مالك در ملك خود تا چه حد جائز است در بعضى موارد خالى از اشكال نيست و ما نميخواهيم در اين جا وارد در تراض بين قاعده الناس مسلطون وقاعده لا ضرر بشويم ولى در بسيارى از موارد تردد نميشود كه ملك اگر از حدود تسلط تجاوز كرده است مثلاً اگر ملكى در خانه خود كارخانه بسازد كه دائماً دود و كثافت بخانه همسايه ميدهد حركت و صدای ماشين آلات خانه همسايه را متزلزل و خواب را باهل خانه حرام ميكند يا اينكه مالك در خانه خود عده زيادى حيوانات نگاه ميگذارد كه موجب سرايت امراض بخانه همسايه شود خلاصه مالك در خانه خود تاسيساتي ميكند كه تحمل آن براى همسايه غير ممكن است اگر چه تشخيص اينكه مالك از حدود خود تجاوز كرده است يا خير با محكمه است ولى حاكم محاکمات عاجله ميتواند هر طور مقتضى باشد تدبير عاجلى با جلب نظر اهل خبره در خانه همسايه اتخاذ نمايد

تبصره

اين بود موارد مهمه كه در عدليه فرانسه براى

اعمال محاکمات عاجله پيش مى آيد ولى البته ساختن دعاوى در معالک مختلفه فرق ميكند و ممكن است در ايران بعضى از موارد فوق الذكر پيش نبايد يا عملى نباشد و در عوض مردم گرفتارى هاى ديگري داشته باشند كه بهترين علاج آن اصول محاکمات عاجله باشد .

مبحث چهارم

طرز محاکمات عاجله

اصول محاکمات عاجله را قانونگذار باين نظر وضع کرده است كه هر گاه فوريت اقتضاء كند يعنى هر وقت حقي در معرض تضییع و تلف باشد واگر علاج فوري نشود آن حق فوت ميشود حاكم محكم عاجلى فى المجلس صادر كند كه رفع نظام بشود البته براى تامين اين نظر ناچار بايد اين محاكمه با محاکمات عادي و حتى اختصاصى متفاوت باشد البته در اين محاكم هم تا حديكه مانع سازگارى و سرعت نباشد رعایت اصول محاکمات عادي جائز است اينك ذيلامابه الاختلاف اين طرز محاكمه را در چند مقام شرح ميدهيم :

مقام اول

بچه ترتيب حاكم محاکمات عاجله دعاوى را

رؤيت ميكند

مقدمتاً بايد تذكر داد كه راجع بصلاحيت شخص مدعى بران اقامه دعوى در محاکمات عاجله بايد نظر اغماض داشته باشد حتى در بعضى موارد اگر سفيه يا مختل المشاعرى شخصاً يا بدون ولى باو مراجعه كند بايد باظهارات او رسيدگى نسايد ضابطه در اين امر اين است كه آنقدر سخت گيرى نبايد بشود كه موضوع فوريت دعوى از بين برود و نیز در باره اتباع خارجه كه قانون آنها را در موقع اقامه دعوى بر عليه تبعه داخله ملزم بدان ضامن ميكند در محاکمات عاجله از دادن ضامن بايد معاف بشوند هر اين درجه اغماض در مورد صلاحيت مدعى نليه و توجه دعوى باو نیز بايد بشود در محاکمات عاجله اشخاص را ميتوان بعنوان مدعى عليه دعوت بجلسه محاكمه كرد كه

در محاکمات عادی دعوت آنها اشکال دارد مثلاً شخصی با اداره راه آهن گفتگو و نزاعی دارد و چون راه آهن شرکت است در محاکمات عادی آن اداره را فقط در مرکز رسمی شرکت میتوان احضار نمود ولی در محاکمات عاجله محکمه ممکن است دعوی را متوجه یکی از کوچکترین شعب راه آهن یعنی ایستگاهی که نزاع در آن واقع شده نموده رئیس این ایستگاه را بمحاکمات عاجله احضار کرد.

اما راجع بطریقه رؤیت دعوی باید دانست که در محاکمات عاجله باز نظر بفوریت تسهیلانی قائل شده اند و حاکم بیکی از سه طریق ذیل میتواند دعوی را رؤیت کند:

اولاً - باین طریق که متداعیین بدون احضاریه و بدون هیچگونه مقدمه در روز جلسه در محضر حاکم آمده و از او دادخواهی بکنند.

ثانیاً - بموجب صورت مجلسی که مأمور اجرا بمقامت حدوث اختلافات و اشکالات در عملیات اجراییه تنظیم مینمایند.

ثالثاً - بوسیله ابلاغ احضاریه بمدعی علیه. راجع بطریقه دوم امر بحاکم بموجب صورت مجلس مأمور اجراء باید دانست که این ترتیب اغلب در ضمن توقیف اموال مدیون برای اجراء حکم یا سند لازم الاجراء پیش میاید مأمور اشکالات حاصله در طی عملیات اجراییه را در صورت مجلس قید کرده بتمیم خود یا بتقاضای طرفین امر را احواله بحاکم محاکمات عاجله میدهند چنانچه در صورت مجلس قید شده باشد که طرفین دعوی خودشان بحاکم رجوع کنند هر کدام برفع اشکال علاقه دارند طرف مقابل را بحضور حاکم بوسیله احضاریه می طلبند و چنانچه مأمور اجراء خود برای رفع اشکال بخواهد بحاکم مراجعه نماید طرفین دیگر بدون اینکه منتظر احضاریه باشند در روز و ساعتی که در صورت مجلس قید میشود در جلسه محاکمات عاجله حاضر میشوند و بعد از ترفیع سواد قضا را بحاکم محاکمات عاجله ذیل

صورت مجلس مأمور اجراء درج می شود و بامضاء حاکم میرسد.

اما در خصوص طریقه سوم مدعی ممکن است مدعی علیه را بجلسات عادی حاکم محاکمات عاجله یا بیک جلسه مخصوص و فوق العاده احضار کند برای احضار بیک جلسه فوق العاده البته قبلاً اجازه مخصوص از حاکم باید تحصیل شود. جلسه فوق العاده برای کارهای خیلی فوری و فوری مقرر میشود و بسا اتفاق میافتد که فاصله احضار و تشکیل جلسه فوق العاده بیش از چند ساعت نیست بعضی اوقات هم جلسه مزبور در منزل شخصی حاکم در ساعات تعطیل تشکیل میشود.

احضار برای محاکمات عاجله تابع بعضی تشریفات قانونی نیست. در فرانسه در محاکمات عادی گرفتن وکیل (AVOUE) جباری است ولی در محاکمات عاجله این تکلیف از متداعیین ساقط است و شخصاً میتوانند برای دفاع خود حاضر شوند یا بیک شخص عادی را که در ردیف وکلارسمی عدلیه نیست از طرف خود وکیل نمایند. موعد احضار بیکه در محاکمات عادی بموجب قانون مقرر شده در محاکمات عاجله لزوم ندارد یعنی مدعی علیه را ممکن است با اولین جلسه محاکمات عاجله که هفته یک یا چند بار در محکمه ابتدائی تشکیل میشود هر قدر هم فاصله بین احضار و جلسه محاکمه کم باشد احضار نمود اگر احضار را بیک موعد معین مقید میکردند بر خلاف حکمت محاکمات عاجله و نقض غرض میشد عقیده بعضی قضاة فرانسه این است که بین ابلاغ احضاریه و جلسه بحاکمه عاجله اقلاً یک روز باید فاصله باشد ولی عقیده اکثریت قضاة این است که تشخیص کافی بودن این فاصله بنظر حاکم است حاکم اگر ملاحظه نماید که فاصله بین ابلاغ احضاریه و جلسه بحاکمه نظر به اهمیت دعوی برای مدعی علیه کافی نیورده است که مدافعان خود را تهیه کنند ممکن است در صورت ثبوت مدعی علیه امر بتجدید احضار او نماید و یا اینکه فقط احضاریه اول را ابطال نماید که مدعی اگر لازم دانست مجدداً مدعی علیه را با مهلت کافی احضار خواهد کرد چنانچه مدعی علیه

حاضر است و متذکر بکافی نبودن فاصله بین احضار و جلسه میشود و عذرش موجه است حاکم قرار می دهد که در جلسه بعد طرفین حاضر شود ترتیب ابلاغ احضاریه مثل ابلاغ احضاریه های عادی است .

اما در مواردیکه دعوی خیلی فوریت داشته باشد و بدون فوت وقت تکلیف آن باید معین شود بطوریکه قبلاً هم تذکر دادیم منتظر جلسه عادی محاکمات عاجله نمیشوند در این مورد رئیس محکمه یا قائم مقام از اجازه میدهد که مدعی علیه را بیست جلسه فوق العاده یاد اطاق محکمه یا در منزل شخصی حاکم حتی در ساعات غیر اداری و ایام تعطیل احضار نمایند برای تحصیل این اجازه مدعی باید تقاضا نامه بجا کم تقدیم کند و حاکم اجازه را ذیل همان تقاضا نامه مینویسد حاکم در قبول و رد این تقاضا و همچنین در تعیین فاصله احضار و ساعت حضور کاملاً مختار است . با این ترتیب ممکن است مثلاً در یک کار فوری صبح از حاکم اجازه گرفت و مدعی علیه را بعد از ظهر همان روز به حضور حاکم طلبید و در همان جلسه کار را فیصله داد .

مقام دوم

ترتیب رسیدگی بدعاری در محاکمات عاجله

رسیدگی در محاکمات عاجله هر قدر ممکن باشد اختصاری است لواط کتبی که در محاکمات عادی بین متداعیین تناطی میشود در آنجا به هیچوجه ضرورت ندارد متداعیین مختارند شخصاً حاضر شوند و تمام توضیحات خود را شفاهاً بدهند یا اینکه از طرف خود وکیل به فرستند حاکم هم مختار است برای اینکه حقیقت مطالب روشن شود هر تدبیری که مقتضی میدانند بعمل آورد مثلاً امر بدهند که متداعیین شخصاً بحضور او بیایند یا اینکه یک نفر اهل خبره معین شود و نظر فنی خود را اظهار بدارد یا یک معاینه محلی بشود یا اینکه متداعیین مدارکی ابراز نمایند یا اینکه امر کنند نوشتجاتی که در ادارات دولتی ضبط است یا در دفاتر مباشرین ثبت موجود است تحصیل کرده بیاورند و غیره هر گاه حاکم رجوع بخواهد

حاکم محاکمات عاجله میتواند چاب و دخول شخص ثالث را بجا کمه اجازه بدهد و همینطور دعاوی مختلفی را که ارتباط کامل دارند جمع کرده و تکلیف آنها را یکجا معین نماید مثلاً مالک خانه مستاجر را برای تخلیه خانه احضار کرده از طرف دیگر مستاجر هم مالک را برای اجراء تعمیرات لازمه احضار نموده است حاکم این دو دعوی را یکجا رسیدگی میکند دعوی متقابل هم در محاکمات عاجله جایز است و نیز حاکم مکلف است بایرادات مدعی علیه از قبیل ایراد عدم صلاحیت توجه دعوی و غیره رسیدگی کرده قرار بدهد اما باید دانست که قطع نظر از صلاحیت ذاتی سایر قواعد صلاحیت در محاکمات عاجله باید مورد اغماض واقع شود مثلاً اگر در توقیف اموال مدیون برای اجراء حکم محکمه اشکانی پیش آید و آن اموال اعم از منقول یا غیر منقول در حوزه یک محکمه ابتدائی است غیر از محکمه صادر کننده حکم و غیر از محکمه ابتدائی محل اقامت مدعی علیه برای رعایت فوریت و تسهیل امر بجا کم محکمه ابتدائی که اموال در حوزه آن واقع است رجوع میکنند و او صلاحیت دارد بطریق محاکمات عاجله وارد شده اشکال را رفع نماید و قس شایهها هر گاه دعوی در جلسات عادی محاکمات عاجله رسیدگی بشود البته رسیدگی غلبنی است مگر اینکه بجای جلسه راسی کنند در این صورت باز قرار حاکم باید عیناً اعلام شود ولی چنانچه مدعی علیه را بمنزل شخص حاکم احضار کنند غلبنی بودن ضرورت ندارد حضور مدعی العموم در جلسات محاکمات عاجله ضرورت ندارد مگر اینکه در امری لازم شود .

در روز محاکمه اگر طرفین حاضر بودند حاکم رسیدگی میکند و حکم بحقیقت یا بن حق مدعی میدهد و یا اینکه بواسطه فوری نبودن امر یا عدم صلاحیت ذاتی و غیره یا اینکه مداخله او بماهیت دعوی ممکن است خلل وارد آورد عدم صلاحیت خود را اعلام میکنند هر گاه مدعی حاضر نشد رسیدگی در غیاب او دیگر حائز نیست و احضاریه کن لم یکن فرض میشود و امر در آنجه تعقیب نمیشود مگر بتجدید عرض حال هر گاه مدعی علیه غایب بود حاکم یا دعوی را بجلسه بعد محول میدهد و مقرر میشود که مدعی علیه را از نو احضار نمایند و یا اینکه باظهارات و دلائل مدعی علیه رسیدگی کرده حکم غیابی میدهد و اگر مدعی علیه متعدد باشند يك یا چند نفر آنها غایب و بقیه حاضر شده اند حاکم نسبت به همه رسیدگی میکند آثار حکم غیابی یعنی داشتن حق اعتراض که موجب تعویق امر میشود در محاکمات عاجله نفی شده و اعتراض موقعیت ندارد بعبارة اخیری بحکم غیابی در محاکمات عاجله اعتراض نمیشود کرد هر گاه رسیدگی بوقت امری فصل و طولانی بوده و در يك جلسه ختم نشود و تاخیر رسیدگی موجب فوت حقی نگردد حاکم میتواند تکمیل رسیدگی را بجلسه بعد محول دارد.

مقام سوم

ترتیب صدور قرار در محاکمات عاجله

مولا حاکم بعد از رسیدگی رأی خود را بلا درنگ و شفاهاً اعلام میدارد ولی البته رای او باید نوشته امضاء شود و اغلب بنده دیده ام که و کلا خودشان فی المجلس رای را مطابق اعلام محاکم انشاء کرده بامضاء او میرسانند اگر باین ترتیب عمل نشود منشی محکمه بعد از ختم جلسه شخصاً یا باز بکلمات و کلاء مربوط رأی را انشاء کرده بامضاء حاکم میرساند فقط در مسائل غامضه که متضمن نکات حقوقی و دقیق باشد حاکم شخصاً رأی را انشاء میکنند عموماً ذیل رأی را حاکم و منشی یعنی دفتر دار محکمه هر دو امضاء میکنند ولی هر گاه رأی در منزل

شخص حاکم صادر شده باشد امضاء حاکم پتهائی کافی است. همینطور در مواردی که حاکم بموجب صورت مجلس یا مورین اجرا دعوی را رؤیت میکند چون انری از این منشی دعاوی در دفتر محکمه یعنی نمی ماند و رای ذیل صورت مجلس درج میشود امضاء دفتر دار لزومی ندارد و امضاء حاکم در صورت مجلس کافی است در سایر موارد البته اینطور نیست مینویس رأی در دفتر محکمه ضبط و بر طبق آن ورقه حکمی صادر میگردد

در دعاوی که خیلی قویتر داشته باشد حاکم میتواند امر دهد که بقادر رأی او را بشکل مینویس اجرا کنند یعنی بدون اینکه ورقه حکمی صادر و آنورقه حکمی بحکوم علیه ابلاغ شود در اینموارد مولا حاکم بکفر مامور مخصوص برای اجراء آن در متن قرار معین میکند و اغلب مامور اجراء مخصوص محکمه که حافظ انتظامات محکمه است باین سمت معین میشود

در قرار حاکم باید ساعت صدور رأی و محل انعقاد جلسه محاکمه و نامی بودن آن و اسم حاکم و دفتر دار اسم و شغل و آدرس متداعیین و شرح دعوی با ذکر دقائق موضوع و حکمی آن قید گردد و قرار باید مثل احکام عادی موجب و مدلل باشد.

برای اجراء حکم باید ورقه اجراییه صادر شود که در فرانس صورت یعنی فورمول آن ذیل ورقه حکمی درج و بامضاء مدیر دفتر محکمه و رئیس محکمه میرسد ولی بطوریکه قبلاً تذکر دادیم در موارد فوریه حاکم میتواند امر دهد که مسوده قرار بدون ورقه حکمی و اجراییه برای اجراء آن کافی است.

در متن قرار ذکر کلیه ادله و اظهارات طرفین بتفصیل لزومی ندارد ولی هر گاه یکی از آنها تقاضا کند که نسبت باظهار و دلائل او با طرف او در متن قرار اتخاذ سند میشود حاکم آن اظهار یا وجود آن دلائل را در قرار خود تصدیق میکند از قبیل اینکه مدعی یا مدعی علیه چه اقراریری کرده یا اینکه برای جلب رضایت طرف خود چه موافقت و پیشنهائی نموده است و غیره و هر گاه طرفین

برای حل و فصل دعوی یک ترتیبی تراضی کردند باید
حاکم بدلول آن ترتیب و امر صادر کند از قبیل اینکه برای
تادیه دین ضرب الاحلی بشود یا اینکه قسمتی از وجوه توقیف
شده را بکمی از طرفین بردارد و غیره و غیره

بحث پنجم

آثار قانون قرار صادر در محاکمات عاجله

قرار صادر محاکمات عاجله را باید مثل احکام
محاکم ابلاغ نمود تا قابل اجراء بشود مگر اینکه نظر
بفوریت امر کند که بدون ابلاغ اجراء شود معمولاً در امرهای
محاکمات عاجله را بدون گرفتن ضامن و دادن تأمین اجرا
میکند بدولی حاکم میتواند نظر باوضاع و احوال مقرر دارد
که قرار یا دادن تأمین اجرا شود ولی در قبول کردن
ضامن که محکوم له و بهشمار میکند نباید سخت گیر بهائی
بشود که اجراء را بدهد تعویق بیندازد - احکام محاکمات
عاجله قابل استیناف است ولی حاکم میتواند در قرار خود
اجراء موقت آنرا اجازه بدهد در اینصورت تقدیم عرضحال
استینافی از طرف محکوم بلیه مانع اجراء نخواهد بود -
قانون فرانسه برای احکام عمومی غیابی شش ماه مرور
زمان قائل شده یعنی اگر در ظرف ششماه حکم غیابی
اجرا نشود بعد کان لم یکن خواهد بود و این مرور زمان شامل
قرارهای محاکمات عاجله نمیشود مدت مرور زمان برای
این قرارها سی سال است .

روشگاه علوم انسانی

اما راجع بدرجه اعتبار قرارهای محاکمات عاجله
حاجت بتذکر نیست که قرار های مزبور عنوان موقت
را دارد یعنی مادام که نسخ آن از محکمه صادر نمیشود
مثل احکام محاکم قوت و اعتبار دارد و مفاد آن بدرجه
قضیه محکوم بها است .

نهایت این قرارها هر قدر هم قوت و اعتبار داشته
باشد بهیچوجه برای محکمه که وارد ماهیت اصل دعوی
میشود الزام آور نیست و محکمه مزبور میتواند آن را
کان لم یکن فرض کند و حکمی که مفاداً نامنفع آن باشد
صادر ننماید باین نظر است که میگویند قرارهای محاکمات
عاجله فاقد اعتبار قضیه محکوم بها میباشد از این مقدمه

چند نتیجه گرفته میشود که ذیلا شرح میدهم اولاً
قرار محاکمات عاجله بعد از صدور قابل تغییر و نسخ
نیست مگر بواسطه استیناف خود حاکم نمیتواند از رأی
خود عدول کند لیکن باید دانست که استقرار و دوام
مزبور تا وقتی باقی است که مرجحات صدور آن و کیفیاتی
که منشاء صدور آن بوده است باقی بماند ولی هرگاه
کیفیات جدیدی پیش آید یا موجبات آن قرار را زائل و
بلکه معکوس شد حاکم منع ندارد مجدداً دعوی را بر
حسب عرضحال جدیدی رؤیت کرده قراری که مفاد آن
بالتبیحه ناسخ قرار سابق باشد بدهد این رویه بهیچوجه
قاعده اعتبار قضیه محکوم بها را نقض نمیکند زیرا یکی
از شرایط قضیه محکوم بها وحدت است در جهات دعوی
و بطوریکه بیان کردیم حاکم محاکمات عاجله در صورتی
رای سابق خود را نسخ میکند که دعوی جدید جهات
جدیدی داشته باشد مثلاً زوجه مطلقه از حاکم محاکمات
عاجله قراری صادر کرده است که طفل خود را که نزد
پدر طفل است ماهی چند بار بمنزل خود ببرد چندی بعد
از صدور این قرار مثلاً مادر طفل مبتلا بر مرض معری شده
یا اینکه فاحشه شده است در اینصورت ملاقات طفل با
مادرش یا خطر جانی و یا خطر اخلاقی برای او دارد و این
خطر جهت جدیدی است که پدر طفل میتواند آنرا عنوان
کرده بحاکم محاکمات زجوع کند و قرار جدیدی صادر
نماید که مادر را از دیدن طفل خود منع نماید .

ثانیاً - تقدیم عرضحال بمحکمه نسبت باصل و
ماهیت دعوی مانع اجراء قرار صادر در محاکمات
عاجله نیست .

ثالثاً - قرار صادر در محاکمات عاجله برای محکمه
که اصل دعوی در آن رسیدگی میشود الزام آور نیست
محکمه مختار است که در صورت اقتضاء سابقه رسیدگی
در محاکمات عاجله را مورد توجه قرار داده مطابق آن
حکم صادر کند یا اینکه آن سابقه و قرار صادره را کانام
یکن فرض کرده مثل اینکه اصلاً قراردی صادر نشده است
رسیدگی کرده حکم مقتضی صادر نمایند مثلاً حاکم
محاکمات عاجله موصی به را بتصرف موصی له داده است

بعد ورثه در محکمه منکر وصیت نامه شوند و چنانچه بی اعتباری وصیت را ثابت کردند حاکم بر بی حقی موسی نه حکم صادر کرده ماترک را آنچه بعنوان موسی به خارج شده بوده است بتصرف ورثه بدهد .

مبحث ششم

طرق شکایت از قرار صادره در محاکمات عاجله

طرق شکایت زاحکم قضائی بطور کلی مقسم میشود بطرق مادی یعنی اعتراض بر حکم غیابی و استیناف و طرق فوق العاده یعنی اعتراض شخص ثالث تمیز اعاده محاکمه و شکایت از قاضی حالاً باید دید شکایت از قرار صادر در محاکمات بکدام يك از این طرق جزا است اینک دیلا هر يك از این طرق را تحت مطالعه میآوریم :

اعتراض بر حکم غیابی

قانون اصول محاکمات فرانه دراحت دارد بر اینکه باحکام غیابی محاکمات عاجله اعتراض نمیشود کرد علت این تخصیصی که قانون در مواد محاکمات عاجله بر قاعده کلی وارد کرده اینست که محاکمات عاجله برای دعوی فوریه تأسیس شده و اگر بنا شود مدعی علیه از جلسه غایب مانده بعد بوسیله اعتراض از اجراء حکم جلوگیری کند موضوع فوریت از بین میرود بلاوجه چون قرارهای محاکمات عاجله اثر دائمی ندارد و ممکنست آنها در ضمن طرح اصل دعوی در محکمه فسخ کرد به محکوم علیه غایب از اینجهت ظلمی نخواهد شد .

استیناف

اصولاً قرار های محاکمات عاجله قابل استیناف است شرایط قابل قبول بودن استیناف نسبت بسنخ دعوی مطابق شرایطی است که برای استیناف احکام محاکمات عادی مقرر گردیده است . و نسبت باشکالاتی که از اجراء احکام حاصل میشود استیناف از آن تابع ماهیت حکمی است که اجراء آن تولید اشکال کرده است یعنی موقوف باین است که آن حکم بدوی یا استیناف بوده است - اما اگر اشکالات از اجراء يك سند لازم الاجراء حاصل و بحاکم محاکمات عاجله رجوع شده است استیناف از قرار

حاکم مزبور موقوف بمیزان و مبلغ دینی است که موضوع آن - سند لازم الاجراء میباشد یعنی استیناف فقط وقتی جائز است که دین مزبور از حد نصاب تجاوز نکند اما اگر اشکالات مربوط بمیزان دین نبوده بلکه راجع باین است که اجرائیات مطابق مقررات قانون بدل آمده است یاخیز در اینصورت در ردیف دعای غیر قابل تقویم محسوب است و نیز از دین هر چه باشد قرار حاکم محاکمات عاجله قابل استیناف است و نیز در ... و تیکه قرار حاکم محاکمات عاجله منحصر راجع به لاجبت صادر شده است میزان مدعی به هر چه بوده است قابل استیناف میباشد و نکته دیگری که تذکر آن لازم میباشد آنست که قرار حاکم محاکمات عاجله وقتی قابل استیناف است که جنبه محاکمه داشته باشد پس اگر قرار حاکم برای متداعیین فقط عنوان اتخاذ سند را داشته یعنی حاکم اظهارات و بیانات طرفین را بفع طرف دیگر در متن قرار خود تصدیق کرده و دیگر ایفاء حکمی نگردیده باشد چون بهیچوجه قاطع دعوائی نیست قابل استیناف نمیباشد شرط دیگر قابل استیناف بودن این است که قرار رأی نهائی بوده نه اینکه بشکل يك قرار اعدادی باشد که برای تهیه مقدمات کار و جمع آوری دلائل صادر میشود .

استیناف از قرار حاکم محاکمات عاجله اجراء آن قرار را تعویق نمی اندازد زیرا احکام محاکمات عاجله اصولاً مستلزم اجراء موقت است معیناً اصولاً حاکم اجراء موقت قرار خود را در ذیل آرقید میکند .

موعد استیناف از قرار محاکمات عاجله برای رعایت فوریت مطابق قانون فرانه ۱۵ روز است در صورتیکه احکام محاکمات عادی مطابق قانون مزبور دو ماه موعد استیناف دارد بموعد ۱۵ روز که برای قرار محاکمات عاجله مقرر است از بابت مسافت مدتی اضافه نمیکند .

استیناف از قرار ابتدائی محاکمات عاجله در محکمه استیناف طرح میشود نه در محضر رئیس محکمه استیناف بتهائی معیناً در عدل محکمه استیناف که اصولاً از پنجم نفر تشکیل میشود ذر استیناف از قرار محاکمات عاجله مرکب از سه نفر بیشتر نیست استیناف از قرار محاکمات عاجله مثل استیناف از احکام عادی مشروط بتقدیم و دیده استینافی است .

محاكمات عاجله هستند و اظهار میدارند که حقوقش در معرض تضییع است و از حاکم تدبیر فوری می خواهند.

اعتراض شخص ثالث

چون اعتراض شخص ثالث هم از وسایلی است که موجب تأخیر اجرا از قرار محاکمات عاجله میشود و فوریت را که نظر اصلی قانونگذار میباشد از بین میبرد و اولاً اعتراض شخص ثالث در محاکمات عاجله جایز نیست بعضاً از قضاة فرانسه اعتراض ثالث را در محاکمات عاجله جایز میدانند لیکن نظراً کثرت بدیع اعتراض ثالث میباشد استدلالات آنهاست که طرفدار جواز آن هستند این است گرچه قرار محاکمات عاجله عنوان وقت دارد ولی در بسیاری از موارد اجراء آن ضرر غیر قابل جبران است متوجه اشخاص ثالث مینماید مثلاً مالی بعنوان اینکه متعلق بمحکوم علیه است از طرف مأمور احرام توقیف میشود و نظر باشکالی که از توقیف آن تولید میشود امر بحاکم محاکمات عاجله رجوع شده حاکم مزبور توقیف را ابقاء میکند و مال برای ادای دین بفروش میرسد اگر حقیقتاً آن مال متعلق بمیال محکوم علیه باشد تا بخود او حق میال از عدم جواز اعتراض شخص ثالث تضییع میشود ولی استدلال اکثر قضاة که اعتراض ثالث را منع میکنند این است که اگر صاحب حقیقی مال موضوع است بعنوان معترض ثالث در محاکمات عاجله وارد بشود هیچ منعی ندارد از اینکه جداگانه بعنوان مدعی بدوی عرضحال بحاکم محاکمات عاجله بدهد و حکم بحقیقت خود صادر نماید و حکم مورد اعتراض را فسخ نماید بنابراین وقتیکه چنین راهی برای اشخاص ثالث باز است چه ضرر دارد که از نقطه نظر حفظ اصول که رفع کردن هرگونه مانع در جریان فوری محاکمات عاجله است - عنوان اعتراض شخص ثالث در محاکمات عاجله نفی شود.

تمیز

بالینکه احکام محاکمات عاجله عنوان موقت دارد

رسیدگی در محاکمات استیناف اختصاصی است یعنی تعاطی ارایع بین مستأنف و مستأنف علیه لرومی ندارد و جاسه بعد از تقسیم عرضحال بدون تشریفات دیگری تشکیل میگردد ولی البته سواد قرار مستأنف عنه را باید ضمیمه عرضحال نمود هیچگونه دعوی جدیدی در مرحله استیناف نمیتوان اقامه کرد مگر اینکه عنوانها و نظایر آن باشد هر گاه قرار مستأنف عنه را اجراء کردند و در استیناف فسخ شود محکمه استیناف نمیتواند حکم بدهد خسارتی که از اجراء حکم متوجه مستأنف عنه شده است بمستأنف علیه بدهد.

دخول شخص ثالث از طرف کسی که در مرحله ابتدای وارد در محاکمه نبوده است در مرحله استیناف در مورد محاکمات عاجله جایز نیست و محاکم فرانسه مطابق این منع عمل میکنند.

هر گاه محکمه استیناف در ابتدای محاکمات عاجله را فسخ کند بدون اینکه اصل دعوی را قطع و فسخ کند حکمی نظیر قرار استینافی بجای آن انشاء مینماید و این حکم دارای اعتباری است که برای محاکمات عاجله قانون بطور کلی قرار داده یعنی يك تصمیم موقتی است اعتراض با حکام غیابی محاکمات عاجله جایز نیست چون قانون این منع را در مورد احکام غیابی استینافی تصریح نکرده است بنا بر این با حکام غیابی محاکمات عاجله نمی توان اعتراض کرد ولی باید دانست که این سکوت قانون موجب اختلاف نظر بین محاکم شده عدده از قضاة فرانسه دارای این عقیده هستند که منع اعتراض بر قرار غیابی محاکمات عاجله در مرحله ابتدای که تخصیصی بر قاعده کلی است بسبب لزوم اجراء فوری آن قرارها است این تخصیص در مرحله استیناف هم صادق است چه بسا تفاق می افتد قرار حاکم ابتدای نیز میمورد بوده نقضای محاکمات عاجله صادر میشود و وقتیکه از چنین قرارهای استیناف صادر میشود هنوز احراء نشده است که بگوئیم بواسطه اجراء قبلی موضوع فوریت آن از بین رفته است و بعبارت اخری مقام مستأنف در این مورد بامقام مدعی در مرحله ابتدای بهیچوجه زیستی نداشته هر دو مستدعی

معمداً از نقطه نظر حسن اعمال قوانین استدعای تمیز نسبت باین احکام جایز است ولی البته فقط احکامی قابل تمیز میباشد که جنبه قرارهای اعدادی را از قبیل رجوع باطل خبره برای دعایه محل و غیره نداشته و دعوی را فیصله داده باشد مثلاً حکم اثیناف که قرار حاکم محاکمات عاجله را در تعقیب عملیات اجرائیه تأیید کرده باشد قابل تمیز است در مسئله صلاحیت چون قرار عدم صلاحیت ذاتی یا محلی بالفیضه قاطع دعوی است قابل تمیز می باشد لیکن در صورتیکه حاکم محاکمات عاجله عدم صلاحیت خود را مدال بدلیل عدم فوریت دعوی نماید چون تشخیص فوریت از امور مساهبتی است ورود دیوان تمیز در چنین قراری البته اشکال دارد.

اعاده محاکمه

چون احکام محاکمات عاجله عنوان موقت دارد و برای نسخ آن محکوم علیه میتواند بمحاکم صلاحیتدار رجوع کند اعاده محاکمه در مورد محاکمات عاجله نیز نیز جایز نیست.

شکایت از قاضی

این طریق در مورد احکام صادره در محاکمات عاجله جایز است. شمه از فواید و محاسن دائر کردن محاکمات عاجله در ایران.

در عمل ثابت شده است تا بحال در ایران هر قدر قانون اصول محاکمات را اصلاح کرده اند و تشریفات محاکمه را سهل نموده اند که جریان محاکمه تسریع و تکلیف دهمی زود مین شود وقتی که حکم صادر و حکم به مرحله اجراء میرسد اجرای احکام بمواقع خطیری بر میخورد و اغلب احکام که بعد از چند سال محاکمه و دوندگی صادر شده موقوف الاجراء در دست مردم میماند و اگر درست تحقیق شود معلوم خواهد شد که قسمت عمده شکایات مردم از عدلیه این است که احکام بموقع اجرا نمیرسد و بقیده این بنده این وضعیت اسف انگیز نتیجه نقصان و فساد سیستم است نه نتیجه عدم لیاقت مامورین دولت مواد ۶۱۵ و ۶۱۸ اصول

محاکمات و تجزیه چهارم از ماده ۲۷۱ قانون جدید اصول محاکمات که برای رفع اشکالات حاصله در اجراء احکام وضع شده نه فقط کمافی السابق کافی برای تأمین این مقصود نیست بلکه به ممتنعین از اجراء احکام میدانی میدهد و اشخاص ذیحق (محکوم له) را خسته و مایوس میکند تجربه نشان میدهد که هر وقت اجراء حکم بمختصراً شکلی بر میخورد کار بمحکمه بر میگردد و تشریفات قانونی و تراکم امور در محکمه ها حقوق محکوم له را بتأخیر انداخته و بسا اتفاق می افتد که در نتیجه این تأخیر موضوع آن از بین میرود حالیه مسئله اجرای اسناد لازم الاجراء که بموجب قانون ثبت اسناد مقرر گردیده است مزید بر علت خواهد شد تکلیف اشکالاتی که در اجراء این اسناد رسمی حاصل میشود آنچه بنده اطلاع دارم در هیچ قانون اصربحاً معلوم نشده است و اگر روی اصول کافی بگوئیم که اشکالات حاصله از اجرای این اسناد مثل شکایات حاصله از اجرای احکام محکمه بمحکمه رجوع میشود با جزئی اشکالی با محاکمه طولانی در نسبت بدلول اسناد رسمی لازم الاجرا هم میتوان گفت نوع در اینصورت مزایای قانونی ثبت اسناد و املاک اجباری که باین فداکاری و مخارج معتناهی اجراء میشود در نتیجه سکت که با اسناد لازم الاجراء وارد میگردد از بین خواهد رفت هر گاه محاکمات عاجله در ایران دائر شود ممکن است بطوریکه در بیعت سوم چهارم این دایره مختصراً اشاره شده اشکالات حاصله از اجراء احکام واسه اول لازم الاجراء غالباً در ظرف یک هفته و احیاناً در ظرف یک روز رفع نمود بسیاری از دعاوی هست که مردم از ترس طی کردن مراحل محاکمه جرئت اقامه آنرا ندارند و ضرر را بر محاکمه ترجیح میدهند بسا هست که دعوی مختصری دارد و چون میدانند جریان آن طول میکشد دعوی را عمداً توسعه میدهد که بزحمتش ارزش داشته باشد در صورتیکه محاکمات عاجله دائر باشد آن اقله که چک فوری را در ظرف یک روز منتهی یک هفته میتوان رفع کرد تجربه ثابت کرده است که نسبت به بسیاری از دعاوی هر گاه چهارم فوری نشود مدعا علیه وضعیاتی ایجاد میکند

که عملاً جبران پذیر نیست مثلاً مستأجرین املاک عموماً در ایران مال الاجاره را نمیدهند و در انقضای مدت اجاره ملک را تخلیه نمیکنند و قتیکه مالک اقدامه دعوی میکند مستأجر از طور و تشریفات محاکمه در ابتدائی و استیناف استفاه نموده قنات و ابنیه ملک را خراب میکند اشجار آن را قطع میکند محصول آن را میبرد و قتیکه مالک فرضاً در محاکمه فاتح شد یک مخروبه مسلوب المنفعه را باید تحویل بگیرد چون تمام محصول آنجا را برده اند دست او برای وصول مال الاجاره بجائی بند نیست و برای اجرت المثل مدتیکه محاکمه طول کشیده بدون اجاره ملک در دست مستأجر مانده خسارتی که متوجه ملک شده مالک باین ترتیب مادام العمر از عدلیه خلاص نمیشود در صورتیکه با اصول محاکمه عاجله هر گاه مالک موقع را خوب تشخیص بدهد مبتلا به خود را بوقوع و تازمانیکه ز فوریت نیفتاده برض حاکم محاکمات عاجله برساند میتواند در ظرف یک هفته قرار تخلیه ملک و توقیف محصول موجوده در ملک را صادر کنند در اثر این حکم که قابل اعتراض غیابی و اشخاص ثالث نبوده و حتی استیناف هم مانع اجراء آن نمیشود بلافاصله آن را بتصرف خود باورد و از دعوی آتی اجرت المثل و خسارات وارده بملک خلاص شود و برای وصول مال الاجاره گذشته هم چون محصول را توقیف کرده است هر گاه محکوم له شد دستش بجائی بند خواهد بود حسن دیگر محاکمه عاجله در ایران این است که قرار صادره از طرف حاکم محاکمات عاجله از آثار اعتراض بر حکم غیابی و اعتراض شخص ثالث مصون است و باتجربه ای که از سوء استعمال اشخاص کلاه بردار از

مواد قانون اصول محاکمات راجع باینگونه اعتراضات داریم این مزیت محاکمات عاجله را نمی توانیم منکر شویم .

نکته مهم دیگر این است که در محاکمات عاجله اغلب اصحاب دعوی شخصاً در محاکمه حاضر میشوند و اگر حاضر نشوند هر گاه حاکم مقتضی بداند ممکن است حضور شخص آنها را بخواهد و علاوه لوائح و تشریفات قانونی را در محاکمات عاجله حذف میکند و باین ترتیب برای حاکم خیلی سهل میشود که از حضور شخص متداعیین استفاده کرده بطریقه کد خدا منشی برای سازش آنها را احضار کند و چون در هر محاکمات عاجله هنوز دست اصحاب دعوی بمحاکمه چندان آوده نیست و از محاکمه طولانی بیم دارند ممکن است گفتگوی خود را بدعوت حاکم زودتر ختم نمایند .

از مزایای محاکمات عاجله یکی هم مخارج محاکمه است چه از حیث مخارج و کیل و چه از حیث مخارج قانونی دوات که بایستی میزان آن را کمتر از محاکمات عادی قرار داد .

البته مزایای دیگری هم هست که موقوف بمحقق عمیق تری در این موضوع میباشد قضاتی که در قوانین ایران زیاد عمل کرده اند میتوانند از این مختصر بسایر نکات و دقائق امری برده محاسن اصول محاکمات عاجله را البته با جرح و تعدیل و تطبیق آن با اوضاع حاضر ایران (هر جا لازم و مقتضی باشد) تصدیق نمایند :